

بررسی رابطه ی اقتصاد مقاومتی با قاعده ی لا ضرر و لا ضرار از منظر قرآن

میلاذ علی پور چبنلو^۱، یوسف مقدسی^۲

نویسنده مسئول:

میلاذ علی پور چبنلو

شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۲۲-۱۲
مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال هفتم)

چکیده:

این پژوهش در صدد بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی با الزامات قاعده لاضرر و لاضرار از منظر آیات قرآنی می باشد. قاعده لاضرر از آن رو که اختصاص به ابواب معینی از فقه ندارد یک قاعده فقهی عام است، فرمولی بسیار کلی که منشأ استنباط در موارد مختلف می گیرد و اهمیت این قاعده به اندازه ای است که برخی آن را به عنوان رمز هماهنگی پیشرفت ها و توسعه یاد کرده اند. و همچنین ضروری بودن مسائل اقتصادی در پیشرفت جامعه و حائز اهمیت بودن اقتصاد در نگاه مقام معظم رهبری و تاکید بر اقتصاد مقاومتی ما را بر آن داشت که با بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی در قرآن و بررسی الزامات مقاومت اقتصادی در قرآن و همچنین ذکر مستندات قاعده لاضرر و لاضرار، رابطه اقتصاد مقاومتی با قاعده لاضرر و لاضرار از منظر آیات قرآنی بررسی کنیم تا با معرفت به موضوع فقهی و قرآنی مذکور همت مضاعف تری در جهت اقتصاد مقاومتی و مقابله با رفتار خصمانه استکبار داشته باشیم.

مقاله حاضر با روش مطالعه کتابخانه ای و استفاده از آیات قرآن و متون اصیل دینی به شیوه توصیفی و تحلیلی و کیفی است و به تبیین رابطه اقتصاد مقاومتی با قاعده لاضرر و لاضرار از منظر قرآن می پردازد و نتیجه حاصله دال بر آن است که پردازش صحیح اقتصاد مقاومتی به همراه جهش تولید داخلی و ایجاد اعتماد به تولیدات بومی در داخل کشور برای نفی تسلط بیگانگان و رد ضرر و زیان مردم و نجات کشور، تنها گزینه روی میز است.

کلید واژه ها: اقتصاد - مقاومت - قاعده - لاضرر و لاضرار - قرآن

مقدمه:

وجود قاعده لاضرر در فقه اسلامی، موجب این نتیجه گیری از سوی برخی اندیشمندان شده که اصل یا قاعده ضرر به مفهوم نهی ضرر به دیگری، در همه نظام های مختلف حقوقی و توسط اندیشمندان حقوقی با مبانی استدلالی کم و بیش مشابه پذیرفته شده و ادعا شده است غنای فقه اسلامی در این زمینه می تواند در مبناسازی برای مداخله کیفری با استفاده از این قاعده راهگشا باشد و یک اصل اولی برای محدود کردن مداخله کیفری دولتی ارائه دهد.(محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷)

قاعده لاضرر از آن رو که اختصاص به ابواب معینی از فقه ندارد یک قاعده فقهی عام است، یعنی فرمولی بسیار کلی که منشا استنباط در موارد مختلف قرار می گیرد.(ریسونی، ۱۳۷۶، ص ۳۶) اهمیت این قاعده به اندازه ای است که برخی از آن به عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت ها و توسعه فرهنگ یاد کردند و آن را از قواعد حاکمی دانسته اند که بر سرتا سر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است.(مطهری، ۱۳۵۱، ص ۳۶)

در همین راستا باید خاطر نشان کرد طبق قاعده لاضرر و لاضرار که در برخی از سندها نیز با عنوان لاضرر و لاضرار فی الاسلام آمده است بیانگر این است که هرگونه ضرر و زیان از اسلام نفی شده است. اقتصاد مقاومتی که یکی از مولفه های مقاومت اسلامی است تاکید بر آن دارد که با حمایت کردن از تولیدات داخلی و جلوگیری از وابستگی به کشورهای خارجی، اساس و پایه کشور که منوط به اقتصاد است با حمایت کردن از تولید داخلی و رونق تولید مستحکم گردد چرا که بدون توجه به این امر مهم، وابستگی به کشورهای بیگانه ممکن است ضرر و زیانی را در بر گیرد به همین خاطر طبق قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام، ضرر و زیان نفی شده است.

این نوشتار در صدد پاسخگویی به سوالات ذیل است:

- ۱- چه رابطه ای میان قاعده لاضرر و لاضرار با اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟
- ۲- نگاه قرآن به اقتصاد مقاومتی چگونه است؟
- ۳- اقتصاد مقاومتی در اداره جامعه چه نقشی دارد؟
- ۴- الزامات اقتصاد مقاومتی شامل چه مواردی می باشد؟

پیشینه تحقیق:

هرچند در مورد اقتصاد مقاومتی مقالات زیادی نگارش شده است من جمله ((رویگرد اقتصاد مقاومتی در آسیب شناسی اقتصادی)) (محمد جواد توکلی، امید ایزاملو، ۱۳۹۵)، ((رهیافتی بر تبیین قناعت و نقش آن در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایت)) (ایوب امرانی، غلام رضا عالیخانی، یونس نادمی، ۱۳۹۶)، ((مولفه های اقتصاد مقاومتی در قرآن کریم)) (مجید عنان پور خیر آبادی، محمد سجاد ابراهیمی، ۱۳۹۱). اما وجه تمایز این مقاله با مقالات نوشته شده در این است که در این مقاله به رابطه و تناسب قاعده لاضرر و لاضرار با الزامات اقتصاد مقاومتی در قرآن پرداخته شده است. در حالی که مقالات نوشته شده قبلی تنها به امر اقتصاد مقاومتی پرداخته اند.

۱- شرح مفردات تحقیق:

۱-۱: مفهوم شناسی ضرر

در معنا ضرر بین اندیشمندان فقه و اصول مختلف فیه است گروهی از جمله صاحب قاموس وجواهری در صحاح اللغة معتقدند ضرر امری وجودی و ضد نفع است.(طاهری، ۱۳۸۷، جلد ۱: ص ۸۷) گروهی دیگر من جمله آخوند خراسانی آن را امری عدمی می دانند و معتقدند که بین ضرر و نفع تقابل عدم و ملکه است(آقا مهدوی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶) و معنای ضرر عدم نفع است در موضوعی که در آن قابلیت نفع باشد. اگر ضرر را امری وجودی بدانیم، تقابل ضرر و نفع تضاد است، نه عدم و ملکه. زیرا در عدم و ملکه برگشت آن به نقیض است و امکان ارتفاع آنها نیست، حال آنکه اگر ضرر امر وجودی باشد امکان ارتفاع هست. اگر متاعی به قیمتی که خریداری شده است فروخته شود در عرف گفته می شود که در این معامله نه نفعی بوده نه ضرری، حال آنکه در تقابل عدم و ملکه که به نقیضین برگشت می یابد در چنین معامله ای ضرر وجود دارد ما ضرر را امر وجودی میگیریم، یعنی ضد نفع.(بجنوردی، ۱۴۱۲، ج ۱: ص ۲۵۰)

۲-۱: مفهوم شناسی ضرار

گروهی من جمله مرحوم آخوند خراسانی معتقدند این کلمه مرادف و به معنی ضرر است (خراسانی، ۱۴۱۲، ج ۲: ص ۴۳۲) و تکرار و عطف آن عقیب ضرر به لحاظ تاکید است و بر همین اساس مضار بر سمره بن جندب وارد شده ((ما أَرَاكَ يا سمره الا مضاراً)) گروهی دیگر معتقدند این کلمه مصدر باب مفاعله است در این صورت، ضرر باید از دو طرف صدق کند. (علیرضا مظلوم و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۲) و نیز می توان گفت در باب مفاعله آنچه معتبر است تکرار صدور مبدا می باشد از فاعل واحد یا از دو فاعل یا حتی محط نظر فاعلیت یکی و مفعولیت دیگری باشد. تضارب زید و عمرو ((به رفع هر دو و نیز)) مثل ((ضارب زید عمرو)) به خلاف باب تفاعل که محط نظر فاعلیت هر دو طرف است، مثل محتمل است حدیث لاضرر و لا ضرار نفی ضرر که همان ورود نقص به مال و اعتبار و بدون انسان باشد و ضرار به معنای نفی هر گونه حکمی که موجب مکروه و مشقت و حرج بر مسلمین باشد که قهراً این حدیث شریف دلیل بر قاعده لاضرر و لا حرج می شود به ضمیمه آیات شریفه که در آنها ضرار به کار برده شده است. بنابراین تکرار صدور همان ضرار است و این معنی مناسب با همین روایت و مسایل مربوط به آن است، زیرا این سمره است که به انصاری ضرر می رساند و این امر را تکرار می کند و کثیر لاضرر است. (بجنوردی، ج ۱: ص ۲۵۰) موید این نکته آیات قرآنی هستند، وقتی خداوند سبحان می فرماید «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (میخواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند ولی درک نمی کنند.) (بقره، آیه ۹).

نظر امام خمینی در مورد ضرر و ضرار:

امام خمینی در فرق بین ضرر و ضرار چنین می فرماید: «غالب استعمالات ضرر و اضرار و مشتقات آنها مالی و نفسی است؛ ولی کاربرد ضرار و متقاتش در تضییق، اھمال، حرج، سختی و کلفت، شایع و رایج است. و در قرآن کریم هم هر جا کلمه ی ضرر استعمال شده به معنای ضرر مالی و جانی آمده است ولی کلمه ضرار در همه ی موارد به معنای تضییق و ایصال هرج است؛ مثل آیه «...لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا...» و آیه ی مربوط به مسجد ضرار که فرمود: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ...» در این آیه ضرار معنای نفسی یا مالی ندارد زیرا منافقین قصد نداشتند مالی را تلف کنند یا جانی را صدمه بزنند بلکه فقط می خواستند با مستقر کردن ابو عامر در آن مسجد، عقاید مسلمین را مشوش کرده و از این راه بر مسلمین سخت بگیرند. و همچنین کلمه ی ضرار در آیه ی «...وَلَا تُمَسِّكُوهُمْ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا...» به معنای فشار و مضیقه و مکروه روحی قرار دادن زنان مطلقه است.

به هر حال، نتیجه ای که از مجموع بحث امام خمینی بدست می آید، این است که ضرار به معنی ضرر نیست و به معنای اضرار بر ضرر، مباشرت بر ضرر که گروه دیگر معنا کرده اند نیز نمی باشد بلکه ضرار به معنای در مضیقه قرار دادن، سخت گرفتن و عرصه را بر طرف تنگ کردن است. (خمینی، ج ۱، ص ۲۸ به بعد)

۳-۱: مفهوم شناسی لا

لا در این حدیث لای نفی جنس است در صورت نکره بودن مدخول آن مثل «لا رجلٌ فی الدار» (هیچ مردی در خانه نیست) است. هر چند طبق نظر سید میر فتحاح در کتاب عناوین و شیخ الشریعه اصفهانی، حدیث شریفه نهی الهی از ایجاد ضرر است مانند آیه شریفه ((فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)) (در حج، آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست). (بقره، ۱۹۷) اما طبق نظر امام خمینی (ره) نهی مذکور نهی سلطانی و حکومتی است که از پیامبر (ص) صادر شده است. (بجنوردی، ۱۴۱۲، ج ۱: ص ۲۵۰)

۴-۱: مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی

واژه اقتصاد در لغت از ریشه (ق ص د) به معنای پایداری در راه، اعتدال و میانه روی، اعتبار، قصد در چیزی به معنا عدم افراط در آن میباشد. که ما بین اسراف و خساست است. در حدیث آمده (ما عال مقتصد) یعنی کسی که میانه روی کند دچار فقر نمی شود. یعنی کسی که در انفاق افراط و تفریط نکند فقیر نمی شود. ابن جنی می گوید: اصل (ق ص د) در کلام عرب به معنای عزم، قصد و هدف است. (ابن منظور، ج ۲: ص ۳۵۳)

مقاومت مصدری است از ریشه ((قو)) و هم ریشه مستقیم، قوام، استقامت و قیام است. به معنای در برابر تهاجم دشمن مقاومت کردن، رو در روی دشمن ایستادن (بندر ریگی، ج ۲: ص ۱۵۳۳) ایستادگی کردن، (با معین، ۹۸۳۹، ص ۸۱۳۳) کسی در امری برابری کردن، ضدیت کردن، می باشد. (عمید، ۱۳۸۹، ج ۳: ص ۲۲۸۹)

۲: مستندات قاعده لاضرر و لاضرار

قاعده لاضرر از اساسی ترین و معروف ترین قواعد فقه اسلامی است و با توجه به مدارک و منابع چهارگانه فقه می توان به آن استناد کرد. در اغلب نظام های حقوقی معاصر تحت عنوان «عدم جواز سوء استفاده از حق» مطرح شده است و می توان گفت منشأ عقلی دارد و بنای عقلا بر این قاعده استوار است. از جمله حقوق مدنی فرانسه حدود ۳۱ سال پیش، در حقوق کامن لو مربوط به انگلستان حدود ۹۰ سال پیش و نیز در آمریکا و کانادا و استرالیا، بحث اصلی آن مطرح شده است ولی با وجود همه اینها، اسلام این مسئله را حدود ۱۴۰۰ سال پیش، تحت عنوان «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» مطرح کرده است و می توان گفت که کامل ترین و مترقی ترین نظام حقوقی دنیا است. (محقق داماد، ۱۳۶۶، ص ۶۷)

۱-۲: قرآن:

اگرچه همانطور که از اسم این قاعده پیداست، مدرک مهم این قاعده حدیث متواتر نبوی لاضرر و لاضرار فی الاسلام است، ولی در قرآن مجید نیز آیاتی وجود دارد که با تصریح به واژه ضرر و مشتقات آن در موارد خاصی احکامی را ارائه کرده است که در این قسمت چند مورد از آن را بیان می کنیم.

۱-۲: «لَا تَضَارَّ وَالِدَهُ وَبَوْلَدَهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره، آیه ۲۳۳) در این آیه مادران از اینکه با قطع شیر موجب ضرر و زیان فرزند خود شوند، نهی شده است.

۲-۱-۲: «وَالْتَمَسْكِوْهُنَّ ضَرَارَ لِعَتَدُوْا» (بقره، آیه ۲۳۱) در این آیه نیز مردان از اینکه با نیت تعدی و تجاوز و پایمال کردن حقوق همسر خود، بعد از طالق به آنها رجوع کنند و آنها را نگه دارند منع و نهی شده اند.

۲-۲: روایات

روایاتی که از ائمه معصومین در ارتباط با قاعده لاضرر رسیده، بسیار است که در همه آنها عبارت «لاضرر و لاضرار» ذکر شده است. خلاصه موضوع روایت مذکور در کتب شیعه، آن است که شخصی به نام سمره ابن جندب درخت خرمایی در خانه (یکی از اهالی مدینه داشت که راه رسیدن به آن از منزل صاحب خانه می گذشت. صاحب خانه نزد پیامبر شکایت برد. پیامبر (ص) صاحب درخت را احضار و از وی خواست که هر وقت قصد سرکشی به درخت خود را دارد از صاحب منزل اجازه بگیرد. سمره امتناع کرد. پیامبر (ص) به صاحب خانه فرمود «برو درخت را بکن و مقابل صاحبش بیانداز تا هر کجا می خواهد آنرا بکارد». و بعد فرمود: «لاضرر و لاضرار» و یا «لا ضرر و لا ضرار علی المومنین». (صدوق (ره) در کتاب من لا یحضره الفقیه در باب میراث اهل ملل، روایت را با اضافه کلمه اسلام نقل می کند که قال رسول الله (ص): «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (بجنوردی، ۱۴۱۲، ج ۱: ص ۲۵۱)

۳-۲: بنای عقلا

یکی از منابع فقهی و ادله قاعده لاضرر که شاید اساسی ترین دلیل بر قاعده لاضرر محسوب شود بنای عقلا می باشد که سایر ادله نیز به این دلیل باز می گردند و البته فقها نیز کمتر به این دلیل توجه فرموده اند زیرا ایشان با وجود روایات، خود را بی نیاز از بنای عقلا دانسته اند. اما از آنجائیکه استناد به بنای عقلا در بسیاری از فروع که بر این قاعده متفرع می گردند، تأثیر دارد. لذا ضروری است به بنای عقلا نیز استناد شود چنانچه بسیاری از قواعد فقه مانند: قاعده مایضمن و لا ما یضمن، قاعده غرور و... نیز مستند به بنای عقلا می باشد. بنای عقلا در استنباط احکام نقش بسیار موثری ایفا می کند و شارع مقدس، که خود از عقلا و نیز رئیس عقلا می باشد قطعاً روشهای عقلایی را در احکام شرعی تأیید می کند بدیهی است که مقصود از بنای عقلا هرگونه بنایی نیست که با روشهای عقلانی سازگاری نداشته باشد، چنانچه اگر عقلا اعمالی

را انجام دهند که با اصول عقلانی هماهنگ نباشد یا با اصول عدالت سازگاری نداشته باشد نمی توان آن را داخل در حوزه بنای عقلا دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۱)

۴-۲: اجماع

اجماع فقهای امامیه، بلکه فقهای اسلام بر حجیت این قاعده است و مستندشان نیز همین روایت است. علمای عامه نیز به این روایت استناد می کنند و امام احمد بن حنبل در مسند و دیگر کتب روایت خود آن را ذکر کرده است. البته این اجماع اصولی اصطلاحی که محقق سنت باشد محسوب نمی گردد، زیرا اجماع مذکور با توجه به این ادله مدرکی است و هیچ گونه ارزش فقهی و حقوقی ندارد (بجنوردی، ۱۴۱۲، ج ۱: ص ۵۳)

۳: تبیین اقتصاد مقاومتی در قرآن

در این قسمت بنا داریم تا با جست و جو در آیات قرآن کریم، آیات متناسب با بحث را بیان کنیم با توجه به تفاسیر موجود به توضیح و تبیین اقتصاد مقاومتی در آیات قرآن کریم بپردازیم.

۳-۱: روح تهاجم در برابر دشمن سرسخت

خداوند در آیه ۱۰۴ از سوره مبارکه نساء می فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا فِئَالْمُؤْمِنِينَ فِئَالْمُؤْمِنِينَ كَمَا تَأْمُنُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا » (و نباید در کار دشمن سستی و کاهلی کنید که اگر شما به رنج و زحمت میافزید آنها نیز (از دست شما) رنج میکشند با این فرق که شما به لطف خدا امیدوارید و آنها امیدی ندارند. و خدا دانا و حکیم است (و امیدواران را محروم نمیسازد).

این آیه به دنبال آیات مربوط به جهاد و هجرت، برای زنده کردن روح فداکاری در مسلمانان آمده است این آیه بیان می نماید که در مقابل دشمنان سرسخت، روح تهاجم را در خود حفظ کنید زیرا از نظر روانی اثر فوق العاده ای در کوبیدن روحیه دشمن دارد. سپس استدلال زنده و روشنی برای این حکم بیان می کند و می گوید: چرا شما سستی به خرج می دهید در حالی که اگر شما در جهاد گرفتار درد و رنج می شوید دشمنان شما نیز از این ناراحتیها سهمی دارند، با این تفاوت که شما امید به کمک و رحمت وسیع پروردگار علم دارید و آنها فاقد چنین امیدی هستند.

در پایان برای تاکید بیشتر می فرماید: « فراموش نکنید که تمام این ناراحتیها و رنجها و تالشها و کوششها و احیانا سستی ها و مسامحه کاریها شما از دیدگاه علم خدا مخفی نیست » و بنابراین، نتیجه همه آنها را خواهید دید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۴۷) پس مسلمانان باید روحیه ی قوی داشته باشند و شکست های موردی (مثل احد) آنان را سست نکند و به جای موضع تدافعی، در تعقیب دشمن و در حالت تهاجمی باشند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۳۷۳)

با توجه به این آیه لازمه غلبه بر دشمن، حفظ روحیه تهاجم و عدم سستی می باشد. پس باید توجه داشت که مقابله با تحریم های اقتصادی در شرایط دشوار نباید از روحیه مومنین بکاهد چرا که دشمن درصدد است که ضعف و شکست جامعه اسلامی را مشاهده نماید. اقتصاد مقاومتی راهکاری در جهت سربلندی جامعه اسلامی است.

۳-۲: استقامت و پایداری در برابر دشمن

خداوند در آیه ۱۱۲ از سوره مبارکه هود می فرماید: « فَأُسْتَلْقَمَ كَمَا أُفْمِرَتْ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما میکنید بصیر و داناست).

ظاهرا ریشه استقامت از قیام آدمی گرفته شده باشد، چون انسان در سایر حالاتش غیر از قیام آن طور که در حال قیام مسلط بر کارها و مقاصد خود هست تسلط ندارد و آن طور نمی تواند قبض و بسط و دادوستد را انجام دهد، و به خلاف حال قیام که وقتی انسان بر پای خود بایستد از هر حال دیگری بهتر تعادل خود را در دست دارد و در نتیجه به تمامی اعمال خود از ثبات و حرکت، دادن و گرفتن، اعطاء و منع و جلب و نفع

راغب در مفردات گفته، کلمه «انشا» به معنای ایجاد و تربیت چیزی است و بیشتر در جانداران که تربیت بیشتری لازم دارند استعمال میشود همچنین کلمه «عمارت» (بر خلاف کلمه خراب که به معنای از اثر انداختن چیزی است). به معنای آباد کردن چیزی است تا اثر مطلوب را دارا شود، مثال میگویند: «عَمَرُ اَرْضَةٍ» یعنی فلانی زمین خود را آباد کرد. بنابراین کلمه عمارت به معنی آن است که زمین را از حال طبعیش برگردانی و وضعی به آن بدهی که بتوان آن فوایدی که مترقب از زمین است را استفاده کرد، مثال خانه خراب و غیر قابل سکونت را طوری کنی که قابل سکونت شود و در مسجد طوری تحول ایجاد کنی که شایسته برای عبادت شود و زراعت را به نحوی متحول سازی که آماده کشت و زراعت گردد و باغ را به صورتی در آوری که میوه بدهد. کلمه استعمال و به معنای طلب عمارت است به این معنی که از انسانی بخواهی

زمین را آباد کند به طوری که آماده بهره برداری شود، بهره ای که از آن زمین توقع می رود. بنا بر آنچه گذشت معنای «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (با در نظر داشتن این که کلام افاده حصر می کند) این است که خدای تعالی آن کسی است که شما را از مواد زمینی این زمین ایجاد کرد و یا به عبارتی دیگر بر روی مواد ارضی، این حقیقتی که نامش انسان است را ایجاد کرد و سپس به تکمیلش پرداخته، اندک اندک تربیتش کرد و در فطرتش انداخت تا در زمین تصرفاتی بکند و آن را به حالی درخورد آورد که بتواند در زنده ماندن خود از آن سود ببرد و احتیاجات و نواقصی را که در زندگی خود به آن برمی خورد برطرف سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ص ۴۶۱-۴۶۲)

قابل توجه این که قرآن نمی گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه گوید عمران و آبادی زمین را به شما تفویض کرد، اشاره به این که وسائل از هر نظر آماده است، اما شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را بدست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید. در ضمن این حقیقت نیز از آن استفاده می شود که برای عمران و آبادی باید به یک ملت مجال داد و کارهای آنها را بدست آنان سپرد و وسائل و ابزار لازم را در اختیارشان گذارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۵۰)

با توجه به مطالبی که بیان شد مشخص است که عمران و آبادی در مورد اقتصاد هم قابل ذکر است. بنابراین آنچه که در شرایط فعلی کشور موجب عمران و آبادانی اقتصاد کشور خواهد شد، اقتصاد مقاومتی است. چرا که در این برهه زمان و پشت سر گذاشتن تمامی تحریم ها، توجه به تولید داخلی و رونق آن، حمایت کردن از کالای ایرانی و حمایت کردن از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی در جهت پیشرفت کشور، موجب رشد و تعالی اقتصاد خواهد شد، زمینه را هرچه بیشتر برای ترقی و آبادانی کشور در تمامی زمینه ها فراهم خواهد کرد. چرا که طبق قاعده لاضرر و لا ضرر، اسلام ضرر و زیان را برداشته است و با حمایت کردن از تولیدات داخلی، ضررهایی که ممکن است از کشورهایی بیگانه در زمینه اقتصاد (تحریم اقتصادی) یا هر زمینه دیگر متوجه کشور شود، جلوگیری گردد.

۴: اصول و الزامات اقتصاد مقاومتی در قرآن

در این قسمت از مقاله به اصول و الزامات اقتصاد مقاومتی در قرآن که عبارتند از: خدامحوری، عدالتمحوری، الگوی اسلامی مصرف، داشتن روحیه جهادی است می پردازیم.

۴-۱: خدا محوری

در میانه راه انسان نیازمند امکانات و نقشه راه است. امکانات رشد و تعالی انسان در تمامی ابعاد مادی و معنوی، از جانب خداوند متعال فراهم شده است. امکانات مادی همان مواهب طبیعی، و امکانات معنوی همان نیروی عقل و خرد و وحی و نبوت است که همگی از مواهب خداوند متعال است.

«وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبْنِيَنَّ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح، آیه ۱۲) او با اموال و فرزندان به شما مدد می رساند، و برای شما باغ هایی و نهروهایی پدید می آورد.

«يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (سوره هود، آیه ۵۲) او برای شما از آسمان باران پیاپی سودمند فرو می بارد، و بر این نیرو که دارید می افزاید.

به دلیل نیازمندی انسان در آغاز و انجام و شریعت و طبیعت به خداوند متعال است که انسان باید راه خدا محوری را برگزیند و از خود محوری بپرهیزد. نه تنها تمام نیازمندی های انسان به دست خداست و خداوند مالک تمام دارایی های اوست، بلکه تمام دارایی های جهان از آن حق تعالی است و همه موجودات محتاج، و بلکه عین احتیاج به او هستند. (فرضی زاده، سال انتشار ۹۶: ص ۵)

«وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (آل عمران، آیه ۱۰۹) «إِلَّا أَنْ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (یونس، آیه ۱) «إِلَّا أَنْ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (همان، آیه ۶۶) آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خداست.

«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (شوری، آیه ۴۹) (فرمانروایی و مالکیت) آسمانها و زمین از آن خداست.

بر این اساس، دارایی انسان، اعتباری و قراردادی است و دارای حقیقی تنها خداوند است. به تعبیر دیگر دارایی انسان متعلق به خداست و اوست که به انسان اموال و دارایی بخشیده است.

«... وَ اتَّوَهَّمُ مِنَ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...» (نور، آیه ۳۳) به آنان (بردگانی که آزاد شوند)، از مال خدا که به شما داده است بدهید.

بنابراین، از آنجا که وجود انسان، نیرو و تمام دارایی او از آن خداوند است، تمام فعالیت های انسان از جمله فعالیت های اقتصادی او نیز مرهون فضل خداست. اختراع و ابتکار، صنعت گری و کشاورزی، هوا نوردی و دریانوردی انسان و ... همگی به یاری و فضل خدای مهربان صورت می

گیرد. قرآن کریم به عنوان نمونه، کار کشاورزی انسان را مطرح می کند و به انسان یادآور می شود که کشاورز حقیقی خداست، و نه انسان.

«أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ، أَلَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (واقع، آیه ۶۴) (آیا به آنچه کشت می کنید می نگرید؟ آیا شما آن را می رویند یا ما رویننده هستیم؟)

پس برای هر گونه پیشرفت از جمله پیشرفت اقتصادی باید به مالک و آفریننده جهان و انسان متکی بود و از اومد خواست. خود محوری انسان هر چند به معنای خود اتکایی او هرگز امکان پذیر نیست و انسان در هر حال محتاج لطف و عنایت خداوند است، اما انسان با بی توجهی به خالق خود، خود را از امدادهای ویژه خداوند محروم می کند.

نتیجه آنکه پیشرفت اقتصادی هماهنگ با سعادت انسان، نه تنها با خدا محوری او در تعارض نیست، بلکه اساسا بدون خدامحوری، پیشرفت اقتصادی به معنای پیش گفته ممکن نیست.

«اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ» (رعد، آیه ۲۶) (خداوند رزق و روزی را برای هر کس که می خواهد گسترش می سازد یا محدود می کند).
«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...» (هود، آیه ۶) و هیچ جنبه ای در زمین نیست مگر این که رزق و روزی آن بر عهده خدا است.
«وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (بقره، ۲۱۲) و خداوند هر که را بخواهد، بدون حساب روزی میدهد.

۴-۲: عدالت محوری

اصل عدالت یکی از بنیانی ترین معارف قرآن کریم است؛ و رعایت عدالت و برقراری قسط در شئون فردی و اجتماعی انسان ها، از جمله فعالیت های اقتصادی، یکی از اهداف بسیار بلند اقتصاد اسلامی محسوب می شود چرا که در سایه عدالت اقتصادی است که جامعه می تواند به قله های پیشرفت برسد. از مهم ترین جلوه های عدالت، عدالت اقتصادی است چرا که رعایت عدالت در این زمینه و حفظ انصاف میتواند شرایط و بسترهای لازم را برای سعادت دنیا و آخرت فراهم کند. عدالت یعنی اینکه هر چیزی در جای خودش قرار گیرد و منظور از عدالت اقتصادی این است که همه افراد جامعه از اقتصاد به طور عادلانه بهر مند شوند نه اینکه به صورت ناعادلانه برخی بر دیگران سبقت گیرند چرا که در این صورت کشور نخواهد توانست به اهداف و مقاصد خود دست یابد. در این شرایط کشور برای رسیدن به اهداف خود به کشورهای بیگانه وابسته خواهد بود کشورهای بیگانه از این موقعیت سوء استفاده خواهند کرد و با مطرح کردن تحریم های اقتصادی، مانع ترقی کشور خواهند شد در همین راستا در این مقاله سعی کردیم تا رابطه قاعده لاضرر را با اقتصاد مقاومتی بررسی کنیم.

«وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ، وَالْقَمَرَ قَدَرْتَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ، لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (یس، آیات ۳۸ تا ۴۰) و نیز خورشید تابان بر مدار معین خود دایم بیهیچ اختالف به گردش است. این طرح و تدبیر خدای دانای مقتدر است (و برهان دیگر بر قدرت اوست و نیز (گردش) ماه را (در) منازل معین مقدر کردیم تا مانند شاخه ی خشکیده خرم (زرد و الغر به منزل اول) باز گردد (و این بر قدرت حق برهان دیگری است) نه (در گردش منظم عالم) خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب بر روز سبقت گیرد و هر یک بر مدار معینی (در این دریای بی پایان) شناورند.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، آیه ۲۵) همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی نیاز) است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا قَالَ تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء، آیه ۱۳۵) ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت میدهند) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبادا عدالت نگاه ندارید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است.

۳-۴: الگوی اسلامی مصرف

ساده زیستی یکی از شئون اسلامی است و سیره اهل بیت(ع) نیز بر همین اساس بوده است که با آمدن کالاهای لوکس، زیر سوال می‌رود این ارزش خود به خود رو به فراموشی رفته و فرهنگ نامناسب و ناهنجاری جایگزین آن می‌شود. تجمل پرستی و روی آوردن به تشریفات یکی از موانع جدی بر سر اصلاح الگوی مصرف و پیشرفتهای اقتصادی است. فرو افتادن در دام تشریفات و تجملات حاصل آن چیزی جز باز ماندن از تولید نیست. قرآن کریم در راستای فرهنگ سازی برای درست مصرف کردن و ایمن کردن مسلمانان از فرو افتادن در دام تشریفات و تجملات به پیروانش دستور می‌دهد که دیدگان خود را به ثروت اشراف اندوزان ندوزند، مبادا شوق به تجمل پرستی در جان آنها شعله زند و آنها را به سوی تشریفات، سوق دهد(فرضی زاده، سال انتشار ۹۶، ص ۹) خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تُمَدِّنْ عَيْنَكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (طه، آیه ۱۳۱) هرگز به متاع ناچیزی که به قومی از آنان (قومی کافر و جاهل) در جلوه ی حیات دنیای فانی برای امتحان داده ایم چشم آرزو مگشا، و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است.)

قرآن کریم در این راستا اولین قدم را جلوگیری از اسراف بیان می‌کند و می‌فرماید...: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، آیه ۱۴۱) زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد ضمن آنکه اسراف را در هزینه ها ممنوع می‌داند، مصرف تفریطی و زهد افراطی را نیز مردود می‌شمارد و مسرفین را برادران شیطان می‌نامند «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء، آیه ۲۷) و در آیه ای دیگر «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، آیه ۶۷) در مورد نكوهش تبذیر و منع اسراف، قرآن کریم چه شیوا بیان می‌کند «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالْتَبَدَّلَ تَبَدُّلًا» (اسراء، آیه ۲۶) (حق خویشاوند را به او بده و در راه مانده را (دستگیری کن) و ولخرجی و اسراف مکن)

۴-۴: داشتن روحیه جهادی

روحیه جهادی در حقیقت چیزی فراتر از انگیزه سازمانی یا سود شخصی است وقتی روحیه ی جهادی بر کاری حاکم شود دیگر فرد خود را در چارچوب بخشنامه ها و وظایف تعیین شده اداری و یا سود شخصی اش نمی‌سنجد و طبعاً در آن قالب محدود نیز عمل نمی‌کند در چنین شرایطی افراد تنها به هدف می‌اندیشند و تا رسیدن به آن دست از تلاش بر نمی‌دارند.(فرضی زاده، سال انتشار: ۹۶، ص ۱۰) خداوند در آیه ۱۰۴ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»

(و نباید در کار دشمن سستی و کاهلی کنید که اگر شما به رنج و زحمت می‌افزایید آنها نیز (از دست شما) رنج میکشند با این فرق که شما به لطف خدا امیدوارید و آنها امیدی ندارند. و خدا دانا و حکیم است (و امیدواران را محروم نمیسازد).

این آیه به دنبال آیات مربوط به جهاد و هجرت، برای زنده کردن روح فداکاری در مسلمانان آمده است. این آیه بیان می‌نماید که در مقابل دشمنان سرسخت، روح تهاجم را در خود حفظ کنید زیرا از نظر روانی اثر فوق العاده ای در کوبیدن روحیه دشمن دارد سپس استدلال زنده و روشنی برای این حکم بیان می‌کند و می‌گوید چرا شما سستی به خرج می‌دهید «حالی که اگر شما در جهاد گرفتار درد و رنج می‌شوید دشمنان شما نیز از این ناراحتیها سهمی دارند، با این تفاوت که شما امید به کمک و رحمت وسیع پروردگار عالم دارید و آنها فاقد چنین امیدی هستند).

و در پایان برای تاکید بیشتری می‌فرماید «فراموش نکنید که تمام این ناراحتیها و رنجها و تالشها و کوششها وسستی ها و مسامحه کاری های شما از دیدگاه علم خداوند مخفی نیست» بنابراین نتیجه همه آنها را خواهید دید. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱: ص ۴۴۷) پس مسلمانان باید روحیه ی قوی داشته باشند و شکست های موردی (مثل احد) آنان را سست نکند و به جای موضع تدافعی در تعقیب دشمن و در حالت تهاجمی باشند. با توجه به این آیه لازم غلبه بر دشمن، حفظ روحیه تهاجم و عدم سستی می‌باشد. پس باید توجه داشت که مقابله با تحریم های اقتصادی در شرایط دشوار نباید از روحیه مومنین بکاهد چرا که دشمن درصدد است که ضعف و شکست جامعه اسلامی را مشاهده نماید. اقتصاد مقاومتی راهکاری در جهت سربلندی جامعه اسلامی است.(قرائتی، تفسیر نور، ج ۲: ص ۳۷۳)

نتیجه:

مقاله حاضر که در مورد بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی با قاعده لاضرر و لا ضرار در قرآن است ضمن پرداختن به الزامات اقتصاد مقاومتی از نگاه قرآن، به بررسی رابطه قاعده لاضرر و لا ضرار با اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. ماحصل مقاله این است که اقتصاد مقاومتی که یکی از مولفه های مقاومت اسلامی است تاکید بر آن دارد که با جهش تولید با تکیه بر توان بومی کشور به قوام میرسد و روشن است که بدون اعتماد به داشته های داخل و بدون تقویت اقتصاد مقاومتی و نیز حمایت از آن، بالاجبار برای تأمین ابتدایی ترین نیاز های زندگی باید دست به واردات زد و این همان ضرر و زیانی است که در اثر بی توجهی به تولیدات بومی و داخلی متوجه کشور و مردم می شود و بیگانگان دشمن برای فشردن گلوی مردم و تسلیم آنها دست به تحریم اقتصادی خواهند زد. اما با عنایت به آیه شریفه (نفی سبیل) «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) (و خداوند هرگز راهی برای سلطه کافران بر مومنان قرار نداده است).

و نیز قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی السلام» و با طرح و اجرای اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولیدات داخلی و فعالان اقتصادی، ضرر و زیان کشور نفی و طرد خواهد شد. ان شاء الله تعالی

منابع:

قرآن

- ۱- افشار، اسدالله، (۱۳۹۵)، اصول اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، سفیر اردهال، چاپ اول
 - ۲- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۲) ق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول
 - ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴) ق، اللسان العرب، ج ۳، بیروت، دار صادر
 - ۴- بجنوردی، محمد حسین، (۱۴۱۲) ق، قواعد الفقهیه، انتشارات موسسه قائم آل محمد، قم، چاپ دوم
 - ۵- بندر ریگی، محمد، (۱۳۸۴)، المنجد، (عربی و فارسی)، ج ۱، تهران، بی تا،
 - ۶- ریسونی، احمد، (۱۳۷۶)، اهداف دین از نگاه شاطبی، ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی احمدی ابهری، قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
 - ۷- خمینی، روح الله، (۱۴۱۰) ق، الرسائل، ج ۱، المطبعة العلمیه- قم
 - ۸- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۹)، المیزان، ج ۱۰ (ص ۴۶۱-۴۶۲) مترجم (موسوی همدانی)، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم
 - ۹- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۹)، المیزان، ج ۱۱ (ص ۶۲-۶۳) مترجم (موسوی همدانی)، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم
 - ۱۰- طاهری، حبیب الله، (۱۳۸۷)، قواعد فقه، ج ۱، (ص ۸۷)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم
 - ۱۱- عمید، حسین، (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، ج ۳، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر
 - ۱۲- قرآنی، محسن، (۱۳۸۶)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، چاپ دوم
 - ۱۳- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۶)، قواعد الفقهیه، ج ۲، تهران، چاپ خانه وزارت کشور و ارشاد اسلامی
 - ۱۴- معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر
 - ۱۵- محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۸۶)، (مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری)، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
 - ۱۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۱)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا
 - ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۰)، تفسیر نمونه، ج ۱ (ص ۴۴۷) انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم
 - ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۰)، تفسیر نمونه، ج ۹ (ص ۱۵۰-۲۵۷) انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم
- مقالات:
- ۱۹- آقا مهدوی، اصغر، بهار و تابستان (۱۳۹۴)، نگاهی دیگر به قاعده لاضرر، فصل نامه تخصصی پژوهشنامه فقهی، شماره دوم، (ص ۱۲۳ الی ۱۴۱)
 - ۲۰- فرضی زاده، محمود، (۱۳۹۶)، (بررسی اصول و الزامات اقتصاد مقاومتی در قرآن)، اولین کنفرانس پژوهش در فقه و حقوق اسلامی (ص ۱ الی ۱۹)
 - ۲۱- مظلوم، علیرضا، نصیری جهان آباد؛ عنایت اله، حاجتی؛ فتح الله، آبان (۱۳۹۶)، تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۳، (ص ۱۷ الی ۳۰)